

کنسولگری بوشهر و تجارت اسلحه در خلیج فارس (۱۹۱۴-۱۸۹۰م)

خلیج فارس از دیرباز به عنوان یکی از مرزهای آبی ایران و به سبب برخورداری از ویژگی‌های یک حوزه استراتژیک و خصوصیات جغرافیای حمل و نقل، نه تنها در چارچوب موقعیت سیاسی، بازرگانی و فرهنگی این سرزمین بلکه در ساختار سیاست جهان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. از این رو در بررسی جایگاه خلیج فارس در مناسبات جدید جهانی، نقش این حوزه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در ادوار گذشته و پیامدهای آن در حال حاضر را نمی‌توان نادیده انگاشت.

از جمله مباحثی که امروزه به عنوان مسأله‌ای حائز اهمیت در چارچوب جایگاه جهانی خلیج فارس مطرح می‌گردد می‌توان به مبحث تجارت تسلیحات نظامی و پیامدهای آن در زمینه امنیت منطقه اشاره کرد. در واقع پیشینه نقش خلیج فارس در سیر شکل‌گیری خرید و فروش اسلحه و مهمات، مناسبات و دگرگونی‌های منطقه‌ای مرتبط با آن به قرون گذشته بازمی‌گردد. با توجه به اسناد و مدارک موجود نخستین نشانه‌های رواج این تجارت را می‌توان در سده ۱۶م و مقارن حضور مستمر دولتهای اروپایی مانند پرتغال، اسپانیا، هلند، فرانسه و بریتانیا در منطقه خلیج فارس جستجو کرد. با این حال، مبحث تجارت تسلیحات از حدود سده ۱۳ ق / ۱۹م تحت عنوان قاچاق اسلحه مورد توجه دولت ایران و کارگزاری‌های خارجی مقیم سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس قرار گرفت.

در این بین کنسولگری بریتانیا در بوشهر به عنوان مهم‌ترین مرکز و کارگزاری دولت

متنوعه خویش در محدوده خلیج فارس و اقیانوس هند، در نظارت بر تجارت اسلحه نقش حائز اهمیتی را ایفا نموده است. بدیهی است اتخاذ این امر از خط مشی سیاست آسیایی و جهانی بریتانیا سده ۱۹ م مبنی بر لزوم حفظ پایگاه‌های سیاسی و تجارتي خویش در هندوستان و اقیانوس هند نشأت می‌گرفت.

مقارن نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی با نظارت نمایندگی (سرکنسولگری) بریتانیا در بوشهر، راهزنی دریایی به طور کامل و تجارت برده در حد قابل توجهی متوقف شد و بدین ترتیب موازنه مناسبات این کنسولگری خارجی با دولت ایران و شیوخ تابع ایران در حاشیه جنوبی خلیج فارس در مسیر منافع دیرینه و درازمدت بریتانیا قرار گرفت. اینک رواج تدریجی تجارت یا به دیگر سخن قاچاق اسلحه در حوزه خلیج فارس جایگزین امور فوق گردیده بود و از آن جا که این امر به نوعی مانع از حفظ منافع و امنیتی محسوب می‌شد که بریتانیا طی سالهای اخیر بدست آورده بود، بنابراین بررسی چگونگی این امر و حمایت از آن در زمره وظایف نمایندگی بریتانیا در بوشهر که نماینده سیاسی دولت متنوعه خویش در حوزه خلیج فارس به شمار می‌رفت، قرار گرفت. این امر در پی آنست که در این منطقه در زمان سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر در واقع تا پیش از این ایام، تجارت اسلحه همانند دیگر امور نیازرگانی در محدوده سرزمین‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس رواج داشت و با توجه به راهزنی‌های دریایی و وقوع جنگ‌های مقطعی بین سیران قبایل عرب، در این حوزه، بخشی از محموله‌های اسلحه در بازارهای این نواحی به فروش می‌رسید. تا آن‌که پس از نظارت نمایندگی بوشهر بر مناسبات اعتراض حاشیه جنوبی خلیج فارس و دخالت آن در انعقاد قراردادهای صلح، از میزان خرید و فروش این کالا نیز کاسته شد. با این حال، نیاز به ورود اسلحه برای حفظ امنیت مبلغان همچنان محسوس بود و از آنجا که این امر مانعی در مسیر اهداف سیاسی و نیازرگانی بریتانیا در محدوده خلیج فارس و اقیانوس هند ایجاد نمی‌نمود، نمایندگی بوشهر نیز در حمل و نقل و معامله اسلحه دخالت نمی‌کرد. تا آنجا که دولت بریتانیا خود نیز از نتایج این تجارت بهره‌مند می‌شد. نظریه فریو در باره نقش بریتانیا در تجارت اسلحه به شرح زیر خود مبین این امر می‌باشد: «چنین رجحانی در آنست که تجارت اسلحه به تمام معنی یک تجارت انگلیسی بود زیرا تفنگ‌ها در انگلستان ساخته می‌شد

و تجارتخانه‌های انگلیس آن را صادر می‌کردند و کشتی‌های انگلیسی آن را حمل می‌توانند و بر
 تاجران انگلیس نیز آن را در ایران به فروش می‌رسانیدند»^(۱) به‌شماره ۱۰۰۰۰ جهت همجاری
 در این باره این حال، طولی نکشید، که مقارن ۱۸۸۵ م/ ۱۳۰۷ ق با بروز برخی مناقشات دزده
 افغانستان آثار برخی تسلیحاتی که از هند به این منطقه ارسال شده بود، بدست آمد. از سنوی
 دیگر اگر چه حکومت بمبئی صدور اسلحه را از هند ممنوع نموده بود و در ایران نیز از حمل و
 نقل مهمات جنگی در مکزهای این کشور جلوگیری می‌گردید؛^(۲) همچنان تجارت اسلحه در این
 مسیر جریان داشت و یک بازرگان فرانسوی انواع مختلف آن را به منعمره [خنز مشهور] وارده
 می‌کرد.^(۳) در ۱۸۸۸ م/ ۱۳۰۶ ق، مجدداً مسئله انتقال اسلحه از گوادر به افغانستان مذکور نظر قرار
 گرفت.^(۴) بخشی اعظم، محموله‌هایی از این دست، توسط کشتی‌هایی که از مسقط حرکت
 می‌نمودند، به گوادر ارسال می‌شدند. از این زمان نماینده مقیم بریتانیا در بوشهر و خلیج فارس
 موظف گردید، احتمال موافقت سلطان مسقط را برای صدور فرمانی جهت منع تردد اسلحه،
 برزنی نماید.^(۵) سرانجام این فرمان در مارس ۱۸۹۱ م/ ۱۳۰۹ ق صادر شد.^(۶) مدت‌تی بعد
 حکومت بمبئی اخباری مبنی بر حمل و نقل میزان قابل توجهی محموله اسلحه از طریق زنگینان
 دریافت کرد. بر طبق اخبار واصله، بخشی از این محموله دوباره به اویقا باز می‌گشت؛ بدین
 سبب نماینده مقیم خلیج فارس، موظف گردید، در خصوص صدور مجدد اسلحه تحقیقاتی به
 عمل آورد. در نهایت نیز سلطان مسقط فرمانی مبنی بر منع این امر صادر کرد.^(۷) با این حال
 با این حال اگر چه مقامات بریتانیا در هند به ظاهر با ورود اسلحه به محدوده خلیج فارس
 مخالفت می‌کردند، در برخی موارد با وجود محدودیت او می‌توانست که دولت ایران در این
 خصوص به عمل آورده بود، خود در صدور تسلیحات به این کشور نقش داشتند. به گونه‌ای که
 در آوریل ۱۸۹۲ م/ ۱۳۱۰ ق، حکومت هند به درخواست شیخ مزعلی محموله‌ای شامل ۲۰۰
 هزار فشنگ را برای از سال به ایران آماده ساخت و نماینده بوشهر موظف گردید در باره چگونگی
 جلب موافقت مقامات ایرانی با انجام این امر، بررسی نماید.^(۸) به مرور ایام و احتمالاً برای
 سهولت در نظارت بر خرید و فروش اسلحه مقدمات زیریاتی تجارتخانه‌ای برای فروش آن در
 بوشهر فراهم گردید؛ با توجه به تقاضای فراوان و سود حاصله، بز تعداد تجارت اسلحه افزوده شد.

بدان حد که علاوه بر بوشهر در دیگر نقاط حاشیة خلیج فارس نیز مراکز فروش آن دایر گردید.^(۹) از جمله تجار معروف بوشهر که در تجارت اسلحه دست داشتند می توان به برادران مالکم اشاره نمود. با تکیه بر گزارش موجود از مقامات دولتی بوشهر این دو برادر از منی از اتباع بریتانیا به شمار می رفتند. همچنین به تأیید وزارت امور خارجه ایران، تیگران مالکم، نایب کنسول ایالات متحده آمریکا در بوشهر محسوب می شد.^(۱۰)

بر طبق تلگرافی از بوشهر مورخ چهاردهم شوال ۱۳۱۱ق / ۱۸۹۳م، فعالیت وی به عنوان نایب کنسول و تاجر اسلحه به شرح زیر توصیف شده است:

«چند سال قبل از وزارت جلیله امور خارجه مقرر فرمودند که تکران ملکم به سمت ویس قنصلگری اتا زونی شناخته شود. از رعایای دولت مشارالیه کسی در اینجا نیست تجارتی هم مستقیماً بخلیج ندارند تا کشتی جنگی اینها بسیر سیاحت می آید از قرار مذکور گاهی هم معامله اسلحه می کند. دیروز در کشتی موسوم به عربستان که مستقیماً از لندن به بوشهر آمد هفده صندوق تفنگ مارتینی و چند صندوق فشنگ متعلق به ارشم و تکران ملکم وارد، فدوی به گمرک خانه سپرد که ضبط باشد تا حکم آن شرفصدور یابد. مشارالیه می گویند برای بنادر شارقه [شارجه] و ابوظبی است. مستدعی است حکم این فقره صادر شود».^(۱۱)

اگر چه از عملکرد دولت ایران در قبال این نامه اطلاع کاملی در دست نیست، اما با تکیه بر نامه مورخ ۱۳ شوال ۱۳۱۳ق / ۱۸۹۵م از آنجا که برادران ملکم تبعه بریتانیا به شمار می آمدند، کارگزاری بوشهر در این خصوص با نمایندگی بریتانیا مذاکره نموده بود.^(۱۲) از دیگر افرادی که با استفاده از تابعیت بریتانیایی به این امر اشتغال داشت می توان به مصطفی نواب تفنگ فروش اشاره کرد. وی با فروش اسلحه به اعراب محلی مشکلاتی برای مقامات دولتی ایران بوجود می آورد و از آنجا که «رعیت انگلیس» محسوب می شد، کارگزاران ایرانی نمی توانستند برای ممانعت وی از این امر اقدامی به عمل آورند.^(۱۳)

از سوی دیگر، برخی افراد مستقل با استفاده از قافله هایی که از سوی نمایندگی بوشهر در خارج از این شهر تردد می نمودند، محموله اسلحه را به دیگر شهرهای ایران ارسال می کردند.^(۱۴) همچنین اعضاء نمایندگی از جمله کاسکین، نایب کنسول نیز به طور غیرمستقیم از تجارت اسلحه در ایران حمایت می کردند،^(۱۵) بدان حد که در یک مورد با وجود اظهارات مقامات

نمایندگی بوشهر مبنی بر حمل مواد خوراکی و برخی ملزومات برای انگلیسی‌های مقیم شیراز، اصفهان و تهران، کارگزاران ایرانی به احتمال حمل اسلحه در محموله‌های فوق ظنین شده بودند.^(۱۶)

همچنین گزارش‌های کارگزاران ایران حاکی از حمل اسلحه در کشتی‌های بریتانیایی در حوزه خلیج فارس به ویژه حد فاصل بحرین و مسقط بود^(۱۷) و در یک مورد پس از آن که یک کشتی حامل اسلحه به مقصد مسقط به اشتباه (۹) در بوشهر توقف نمود، تمامی محموله به استثنای تفنگ‌های دهانه پر، در نمایندگی بوشهر باقی ماند.^(۱۸) ویلسون، نماینده مقیم بریتانیا در بوشهر از ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۷ م / ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ ق اعمال این سیاست بی‌طرفانه نمایندگی و دولت متبوعه آن را در قبال تجارت اسلحه به شرح زیر توصیف می‌نماید:

«برای دولت بریتانیا اعمال فشار بر اتباع خود مادامی که دولت ایران آماده رسیدگی به این وضعیت نمی‌شد، غیرممکن و ناخوشایند بود؛ چنین مداخله‌ای صرفاً تجارت مذکور را به شرکتهای فرانسوی و آلمانی منتقل می‌نمود و در نتیجه مشکلات سیاسی ایران افزایش می‌یافت. دولت انگلیس بهتر از منتقدان خود بر این امر واقف بود که بی‌فایده‌گی مقررات امکان دارد که موجب شود حکومت ایران بی‌موقع و رسماً تجارت را قدغن نماید، و در این صورت دولت انگلیس می‌تواند بدون آن که از دولت ایران تقاضا کند بر اتباع خود فشاری وارد نماید یا مبالغی به عنوان خسارت به شرکتهای تجارتی بپردازد».^(۱۹)

این امر در حالی بود که دولت ایران نیز اقدامی به عمل نمی‌آورد و مأموران گمرکی تنها به ازدیاد حقوق ورودی این کالا اکتفا می‌نمودند. بدین ترتیب، بتدریج بر میزان اسلحه وارداتی به ایران به شدت افزوده شد. بدان حد که طوایف حوزه فارس و لرستان نسبت به نیروهای دولتی ایران به تسلیحات بهتری مجهز بودند و مقارن سال ۱۸۹۸ م / ۱۳۱۵ ق بالغ بر صد هزار قبضه اسلحه از طریق بوشهر در ایران توزیع گردیده بود. از سوی دیگر توسعه تجارت اسلحه نه تنها در ایران بلکه در مسقط نیز ادامه داشت؛ طی سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۲ م / ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ ق، بالغ بر دوازده هزار قبضه اسلحه به این بندر وارد شد که بخشی از این محموله‌ها بین قبایل عمان، بحرین، قطر و کویت به فروش می‌رفت و بخش دیگر آن به صورت قاچاق به ایران و عثمانی وارد می‌شد. در این بین امام مسقط نیز به جز چند مورد، در این خصوص اقدامی به

عمل نیارود و از آنجا که ادامه این امر به تجهیز کامل سئرزمتین‌های حاشیه خلیج فارس و در نتیجه تهدید منافع بریتانیا در این منطقه منتهی‌المنتهی می‌گردد، کارگزاران بریتانیا در صدد مذاخلة در تجارت اسلحه و نظارت بر میزان ورود و خروج آن در خلیج فارس، بویژه مسقط برآمدند.^(۲۰)

پس از این رو، پس از مذاکرات بیه‌گانه و انعقاد قرارداد در ۱۸۹۸ م. / ۱۳۱۶ ق. بین مقامات ایران، مسقط و بریتانیا، ممنوعیت خرید و فروش اسلحه در محدوده ایران و مسقط اعلام شد.^(۲۱) این امر در حالی بود که نمایندگی بریتانیا در بوشهر به نوعی نقش رابط را در برقراری هماهنگی و انعقاد این قرارداد ایفا می‌نمود.^(۲۲)

پس از این قرارداد دولت ایران روند تجارته اسلحه را به شدت تحت نظر قرارداد و با توقیف محموله‌هایی که به بوشهر وارد می‌شدند، مانع از گسترش این تجارت در ایران گردید. در این بین، نمایندگی بریتانیا در بوشهر نیز با توجه به حساسیت و پیگیری دیوان لندن^(۲۳) بخشی از وظیفه ممانعت از حمل و خرید و فروش اسلحه را بر عهده داشت. بر این اساس، کشتی‌های جنگی بریتانیایی مستقر در حوزه خلیج فارس تحت نظارت نمایندگی بوشهر مراز احتیاطی معاملات اسلحه را تفتیش می‌نمودند و محموله‌های موجود را ضبط و توقیف می‌کردند. در صورت تعلق کشتی به یکی از اتباع بریتانیا، محاکمه فرد خاطی به نماینده بریتانیا در بوشهر واگذار می‌گردید.^(۲۴)

از سوی دیگر نمایندگی بوشهر با توجه به فهرستی از صورت اسلحه و تجهیزات که در مالکیت اتباع ایرانی قرار داشت، بوشهر و ورود و خروج تسلیحات اهالی بوشهر نیز نظارت می‌نمود.^(۲۵) به طور مثال، سرکنسول بوشهر به دنبال توقیف محموله اسلحه متعلق به اراتون ملکم پس از مشاهده بارنامه، دستور تحویل آن را به وی صادر کرد.^(۲۶) در حالی که مدتی بعد از صدور جواز حمل و نقل اسلحه به فرد دیگری از خانواده ملکم، دستور اداری و ورزید.^(۲۷)

ترتیب طلعا افراد و شرکتهای متقاضی ورود و خرید اسلحه، با نمایندگی بوشهر مذاکره می‌نمودند.^(۲۸) برای پیگیری محموله‌های توقیف شده از نماینده بریتانیا درخواست کمک می‌کردند. با توجه به لزوم رعایت سلسله مراتب اداری، سفارت ایران نیز همواره در جریان این مراودات قرار داشت و گاه شخص سفیر، مسائل مرتبط با تجارت اسلحه را به نمایندگی بوشهر ارجاع می‌داد.^(۲۹) همچنین، تأیید ورود و حمل اسلحه مورد نیاز اعضاء نمایندگی نیز بر عهده

● کنسولگری بوشهر و تجارت اسلحه در خلیج فارس

سفارت تهران بود و بدین ترتیب هماهنگی های لازم با وزارت امور خارجه و گمرکات ایران در جنوب به عمل می آمد.^(۳۰)

به مرور ایام و به دنبال موفقیت هایی که در تنظیم امور مرتبط با حمل و ورود اسلحه به سواحل شمالی خلیج فارس بدست آمد، طولی نکشید که شیوخ حاشیه جنوبی نیز درصدد پیروی از این نظام برآمدند و بر این اساس، شیخ بحرین در ۱۸۹۸م / ۱۳۱۶ ق^(۳۱)، شیخ کویت در ۱۹۰۰م^(۳۲) / ۱۳۱۸ ق و دیگر شیوخ در ۱۹۰۲م / ۱۳۲۰ ق بر طبق موافقت نامه ای که با کارگزاران بریتانیا در منطقه منعقد نمودند، از مقررات منع خرید و فروش و حمل و نقل اسلحه تبعیت کردند. از آنجا که در ۱۸۶۲م / ۱۲۷۹ ق ممنوعیت این امر در عثمانی نیز به اجراء درآمده بود، بتدریج از میزان مبادرت به ورود یا قاچاق اسلحه در مناطق مورد بحث کاسته شد. با این حال، کمابیش نشانه هایی از ادامه تجارت اسلحه که احتمالاً فرانسویان و آلمانی های مقیم خلیج فارس بدان اشتغال داشتند،^(۳۳) در سواحل مسقط و محدوده گوادر به چشم می خورد از این رو در ۱۹۰۳م / ۱۳۲۱ ق سلطان مسقط بار دیگر^(۳۴) اجازه تفتیش کشتی هایی را که در محدوده مسقط تردد می نمودند، صادر کرد و کشتی های بریتانیا و ایتالیا انجام این امر را بر عهده گرفتند.^(۳۵)

پس از چندی دولت ایران نیز با فرمان مجددی که در ۱۹۰۰م / ۱۳۱۸ ق صادر نمود^(۳۶) بار دیگر درصدد رفع نواقص موجود برآمد. با این حال طی سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴م / ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ق، تجارت اسلحه از خلیج فارس تا مرزهای شمال غربی هند همچنان ادامه داشت^(۳۷) و بدین جهت تحت نظارت نمایندگی بوشهر، نایب کنسولی در بم و در ۱۹۰۶م / ۱۳۲۴ ق در بندرعباس مستقر شد.^(۳۸) سرانجام در ۱۹۱۲م / ۱۳۳۰ ق برای جلوگیری از برخی تخلفات، مقدمات برپایی انبار تسلیحات در مسقط فراهم گشت. بر طبق توافق مقامات سرزمینهای حاشیه خلیج فارس و نمایندگی بریتانیا، از این پس معاملات اسلحه و مهمات جنگی در این محل صورت می پذیرفت.^(۳۹) اما طولی نکشید که با وقوع جنگ جهانی اول ارکان نظامی که برای ممانعت از تردد و قاچاق اسلحه در حوزه خلیج فارس ایجاد گردید، متزلزل شد و تا حدودی بر میزان ورود تسلیحات غیرمجاز به ایران افزوده گردید. در این بین نشانه هایی از قاچاق اسلحه فرانسوی به چشم می خورد و نمایندگی بریتانیا درصدد مقابله با آن بود.^(۴۰)

بدین ترتیب و با توجه به نقش دوگانه بریتانیا در توسعه و سپس ممانعت از تجارت اسلحه می‌توان چنین پنداشت، باوجود دیگر اموری چون صلح قبایل، تجارت برده و قرنطینه که نمایندگی بریتانیا در بوشهر با اصرار و جدیت در رسیدگی و نظارت بر آن دخالت می‌نمود؛ از آنجا که پرداختن به تجارت اسلحه گاه در مسیر اهداف سیاسی بریتانیا در حوزه خلیج فارس قرار می‌گرفت، آن گونه که باید و بدان سان که وانمود می‌کرد در ممانعت از این امر و همیاری با دولت ایران، پافشاری نمی‌نمود.

از این روست که حضور سرکنسولگری بوشهر در امر توقف تجارت اسلحه در خلیج فارس و ایران، کمرنگ و خالی از تکاپوی پیشین بود.^(۴۱) این امر از آگاهی سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر نسبت به ضعف عملکرد کارگزاران ایرانی در حاشیه خلیج فارس نشأت می‌گرفت. بر این اساس، مسؤولین این نمایندگی خارجی با توجه به نیروی دریایی کارآمد دولت متبوعه خویش و نفوذ در پایگاههای سیاسی و اقتصادی شیوخ حاشیه جنوبی خلیج فارس، به گونه‌ای بطئی در امر تجارت اسلحه نظارت و دخالت می‌کردند. حال آنکه در صورت توجه کارگزاران ایرانی نسبت به اعمال نفوذ و تثبیت حاکمیت دولت ایران در حوزه خلیج فارس، مسأله نظارت بر تجارت اسلحه و محدود نمودن آن می‌توانست تحت نظارت کامل دولت ایران قرار گیرد؛ امر خرید و فروش آن در این منطقه راهبردی با تکیه بر ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی موجود در این سرزمین، تعیین شود و بخشی از دگرگونی‌های ژئواستراتژیک و ساختار امنیتی منطقه به سود ایران تغییر کند.

تجارت اسلحه در بوشهر به پوند استرلینگ (۴۲)

سال	مجموع سلاح وارداتی	مجموع واردات	مجموع صادرات
۱۸۹۰-۹۱	۲۹۰۰	۱۱۵۲۰۵۰	۶۳۶۶۵۰
۱۸۹۱-۹۲	۲۶۵۱	۱۱۵۲۰۵۰	۶۳۰۹۰۰
۱۸۹۲-۹۳	۲۰۰	۱۰۹۷۲۵۰	۹۷۲۹۵۰
۱۸۹۳-۹۴	۹۵۰	۱۰۴۶۵۵۰	۵۶۵۴۵۰
۱۸۹۴-۹۵	۴۵۲۰۰	۱۲۲۳۴۰۰	۶۴۷۲۰۰
۱۸۹۵-۹۶	۶۷۵۵۰	۱۲۲۱۷۰۰	۴۱۸۷۰۰
۱۸۹۶-۹۷	۱۳۴۲۰۰	۸۹۳۴۰۰	۴۹۹۰۰۰
۱۸۹۷-۹۸	۱۴۰۸۵۰	۱۲۲۱۷۰۰	۴۱۸۷۰۰
۱۸۹۸-۹۹	-	۸۹۹۷۰۰	۴۵۵۱۵۰
۱۸۹۹-۱۹۰۰	-	۹۱۶۵۵۰	۵۲۹۳۵۰
۱۹۰۰-۰۱	-	۱۳۲۳۰۵۰	۷۱۰۳۵۰
۱۹۰۱-۰۲	-	۱۶۳۱۵۰۰	۵۷۳۶۵۰
۱۹۰۲-۰۳	-	۱۱۰۰۶۰۰	۳۴۸۲۰۰
۱۹۰۳-۰۴	-	۹۵۰۳۵۰	۴۳۰۴۰۰
۱۹۰۴-۰۵	۲۵۰	۸۸۹۸۵۰	۴۵۵۰۰۰
۱۹۰۵-۰۶	۴۰۰	۷۶۱۹۵۰	۴۶۹۹۵۰
۱۹۰۶-۰۷	۳۳۲۵۰	۸۶۳۸۵۰	۵۹۸۴۰۰
۱۹۰۷-۰۸	۵۰۰	۱۰۵۲۰۵۰	۴۰۳۰۰۰
۱۹۰۸-۰۹	۵۵۰	۷۹۳۴۵۰	۴۳۳۰۰۰
۱۹۰۹-۱۰	۳۰۰	۷۱۷۱۰۰	۴۰۰۹۰۰
۱۹۱۰-۱۱	۱۰۰	۶۷۵۶۰۰	۳۴۸۹۵۰
۱۹۱۱-۱۲	۳۲۵۰	۸۴۷۷۵۰	۶۰۸۲۰۰
۱۹۱۲-۱۳	۵۷۰۰	۹۵۱۷۰۰	۶۳۷۱۰۰
۱۹۱۳-۱۴	۱۰۴۵۰	۶۲۵۷۵۰	۶۰۱۷۵۰

1. Arnold Wilson, *The Persian Gulf*, p.270.

۲. در ۱۸۸۱م / ۱۲۹۸ق از سوی ناصرالدین شاه فرمانی دربارهٔ منع ورود اسلحه به ایران صادر شد. برای آگاهی ر.ک. به اسناد وزارت خارجه، صندوق ۱۶، پ ۱۶. نیز:

Historical Summary of Events in Territories of the Ottoman Empire, Persia and Arabia affecting the British Position in the Persian Gulf, 1907-1928, p.151.

3. Arnold Wilson, OP.cit.p.270.

4. C.H.Gabriel, *Persian Gulf Gazetteer*, Part1. Historical and Political Materials.

Precis on Arms Trade in the Persian Gulf. the Persian Gulf Precis, vol.VIII.p.3.

5. Ibid, pp.2-3.

6. Ibid, p.3.

7. Ibid.

8. C.H.Gabriel, OP.cit., vol.VIII.p.3.

9. P.M.Sykes: *Ten Thousand Miles in Persia*, 1902.p.24.

۱۰. به دنبال وقوع جنگ هرات در ۱۲۷۳ق / ۱۸۵۷م که به حضور نیروهای بریتانیا در خلیج فارس و قطع روابط سیاسی بین ایران و انگلیس انجامید، دولت ایران برای مقابله با نفوذ دریایی بریتانیا در صدد برقراری ارتباط با نمایندهٔ ایالات متحدهٔ آمریکا در اسلامبول برآمد و بدین ترتیب مقدمات شروع مناسبات دو کشور فراهم شد و عهدنامهٔ مودت و تجاری مورخ پانزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳ق / سیزدهم دسامبر ۱۸۵۶م منعقد گردید. برطبق فصل هشتم این عهدنامه کنسولهایی برای حمایت از اتباع و توسعهٔ امور تجاری بین طرفین، در ایران و آمریکا تعیین شدند و براین اساس، علاوه بر تهران و تبریز، کنسولی نیز برای بوشهر در نظر گرفته شد. برای آگاهی از متن این عهدنامه ر.ک. به: *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دورهٔ قاجاریه*، ص ۲۴۴ تا ۲۵۳.

۱۱. اسناد وزارت امور خارجه، تلگراف ۱۴ شوال ۱۳۱۱، صندوق ۲۳، پ ۶.

۱۲. اسناد وزارت امور خارجه، نامهٔ ۱۳ شوال ۱۳۱۳، صندوق ۲۵، پ ۱۰.

۱۳. اسناد وزارت امور خارجه، نامهٔ ذی‌الحجهٔ ۱۳۱۴، صندوق ۲۸، پ ۴.

۱۴. اسناد وزارت امور خارجه، مراسله محمدابراهیم خان مأمور منع اسلحه بوشهر، غره محرم ۱۳۱۴، صندوق ۲۸، پ ۴.
۱۵. اسناد وزارت امور خارجه، نامه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۱۴، صندوق ۲۸، پ ۴.
۱۶. اسناد وزارت امور خارجه، نامه ۹ جمادی الاخر ۱۳۱۴، صندوق ۲۸، پ ۴.
۱۷. اسناد وزارت امور خارجه، نامه‌های غره محرم و ربیع الثانی ۱۳۱۴، صندوق ۲۸، پ ۴.
۱۸. اسناد وزارت امور خارجه، نامه ذیقعدہ ۱۳۱۴، صندوق ۲۸، پ ۴.
19. Arnold Wilson, *The Persian Gulf*, p.271.
۲۰. اسناد وزارت امور خارجه، نامه‌های ۲۳ رجب و ۴ شوال ۱۳۱۵، صندوق ۳۰، پ ۱۸.
21. Arnold Wilson, *OP.cit.*, p.271.
22. C.H.Gabriel, *OP.cit.*, vol.VIII.p.9-10.
۲۳. اسناد وزارت امور خارجه، نامه ۲۶ محرم ۱۳۱۶، صندوق ۳۴، پ ۶.
۲۴. اسناد وزارت امور خارجه، نامه‌ای از سفارت تهران، ۳ رمضان ۱۳۱۸، صندوق ۱۳، پ ۴.
۲۵. اسناد وزارت امور خارجه، نامه ۴ دسامبر ۱۸۹۸، مکاتبات ۱۳۱۵ هـ.ق، صندوق ۳۱، پ ۶.
۲۶. اسناد وزارت امور خارجه، نامه از سفارت تهران، ۲۳ صفر ۱۳۱۶، صندوق ۳۴، پ ۶.
۲۷. اسناد وزارت امور خارجه، نامه ۲۶ جمادی الاول ۱۳۱۸، صندوق ۱۳، پ ۴.
۲۸. اسناد وزارت امور خارجه، نامه‌ای از سفارت تهران، ۱۳ رمضان ۱۳۱۷، صندوق ۱۷، پ ۲.
۲۹. اسناد وزارت امور خارجه، نامه سفارت تهران، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۸، صندوق ۱۳، پ ۴ و نامه ۱۶ شعبان ۱۳۱۹ مبنی بر پیگیری نمایندگی، همان منبع.
۳۰. اسناد وزارت امور خارجه، سواد کاغذ از وزارت خارجه به مسیو نوز مدیر گمرکات، ۱۹ جمادی الاول ۱۳۱۸ و نامه سفارت، ۱۲ سپتامبر همان سال، مکاتبات ۱۳۱۸ هـ.ق، صندوق ۱۸، پ ۲۱.
31. C.H.Gabriel, *OP.cit.*, vol.VIII.p.9.
32. *Ibid*, pp.35-36.
33. Arnold Wilson, *OP.cit.*, p.271.
۳۴. در ۱۸۹۸م / ۱۳۱۶ق، امام مسقط اجازه تفتیش کشتی‌های مستقر در بندر خود را به جهازات جنگی ایران و بریتانیا صادر نموده بود. برای آگاهی رک. به:

35. Ibid.

36. Ibid.

37. C.H.Gabriel, OP.cit. vol.VIII.p.47.

38. Denis Wright, the English...p.16.

پیش از این نیز بر طبق گزارش سرپرستی سایکس که در ۱۸۹۹م / ۱۳۱۷ق تهیه نموده بود، لزوم اعزام نماینده (کنسول) بریتانیا به بندرعباس برای تشویق دولت ایران به ممانعت از ادامه ورود اسلحه به این منطقه، مدنظر قرار گرفته شد. برای آگاهی ر.ک. به:

C.H.Gabriel, OP.cit., vol.VIII.p.31.

39. Arnold Wilson, OP.cit.p.271.

40. Arnold Wilson, *Persia A Political Officer's Diary 1907-1917*, London, Oxford University Press, 1941,p.217.

۴۱. فهرست ضمیمه مبین میزان صادرات و واردات اسلحه در پوشهر طی سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۴ م است.

42. Briton Cooper Busch, *Britain and the Persian Gulf 1894-1914*, California, University of California Press, 1967, p.395.and also see Chapter 9.